

ابن تیمیه از دیدگاه علمای شافعی

ابن تیمیه از دیدگاه علمای شافعی

وی «ابوعباس احمد بن عبدالحلیم» معروف به ابن تیمیه، بنیانگذار فکری وهابیت در سال 661 ه.ق در حرّان - از توابع ترکیه کنونی - به دنیا آمد. او عقیده تشبیه و تجسیم و جهت داشتن خداوند را بعد از مرگ پدر و زمانی که بر کرسی تدریس تفسیر قرآن بجای پدر قرار گرفت، مطرح کرد. وی قائل به جسمانیت خداوند بلا کیف بوده و این نظر را به اهل حدیث و ظاهر گرایان نسبت داده است. نظرات علمای شافعی در مورد ابن تیمیه در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

وی «ابوعباس احمد بن عبدالحلیم» معروف به ابن تیمیه، بنیانگذار فکری وهابیت در سال 661 ه.ق در حرّان - از توابع ترکیه کنونی - به دنیا آمد. به علت ترس از حملات مغولان به شام، عبدالحلیم پدر وی با تمام خانواده اش به دمشق کوچ کردند. او عقیده تشبیه و تجسیم و جهت داشتن خداوند را بعد از مرگ پدر و زمانی که بر کرسی تدریس تفسیر قرآن بجای پدر قرار گرفت، مطرح کرد. وقتی ساکنان شهر «حماة» از او درباره آیه [الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى] [1] پرسیدند، وی در تفسیر آن جایگاهی برای خداوند در عرش تعیین کرد. چنانکه در دیگر فتاوی وی نیز مشهود است، وی قائل به جسمانیت خداوند بلا کیف بوده و این نظر را به اهل حدیث و ظاهر گرایان نسبت داده است. [2]

سرانجام ابن تیمیه حرّانی در سال 705 ه.ق در دادگاه، محکوم شد. در سال 707 ه.ق، از زندان آزاد گردید و با آزادی از زندان، مجدداً به نشر عقاید خود پرداخت. در سال 721 ه.ق دوباره محکوم به زندان شد و در سال 728 ه.ق در زندان قلعه دمشق درگذشت. [3]

علمای مذهب شافعی و رویکرد انتقادی به ابن تیمیه

با ظهور ابن تیمیه و ارائه نظرات مخالف کتاب و سنت وی، تعداد زیادی از علمای مذهب شافعی چه در زمان حیات وی و چه پس از وفاتش به مخالفت با وی پرداخته و به تبیین عقائد انحرافی وی مبادرت ورزیدند، که به برخی از آنها اشاره می-کنیم:

نظر قاضی شافعی دمشق درباره ابن تیمیه

ابن حجر عسقلانی از علماء بزرگ اهل سنت می-نویسد: «وقتی خبر به قاضی شافعی رسید که برخی از افراد نزد ابن تیمیه رفت و آمد می-کنند» گفت: اگر به خاطر کفری که از وی ثابت شده، کشته نشود، حداقل باید نسبت به وی سخت-گیری شود. آنگاه دستور داد وی را به زندان انفرادی منتقل کنند.

پس از آن قاضی شافعی دمشق دستور داد که در دمشق اعلان کنند که: «من اعتقد عقیده ابن تیمیه حلّ دمه وماله».

«هر کس معتقد به عقاید «ابن تیمیه» باشد، خون و مالش حلال است.»

و این اعلامیه را توسط یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام «شهاب محمود» در مسجد جامع دمشق قرائت کرد که به دنبال آن حنبلی-ها و افراد دیگری که در معرض اتهام بودند، جمع شدند و اعلام کردند که ما بر مذهب و عقیده -ی امام شافعی هستیم.» [4]

انتقاد صالحی شامی از ابن-تیمیّه

وی که از علمای شافعی و متوفای 942 ه.ق است درباره فتوای ابن-تیمیّه در منع زیارت قبور می-نویسد: «سفر برای زیارت قبر پیامبر (ص)، مشروع و جایز می-باشد به خاطر جواز این موضوع علمای بزرگی مانند شیخ تقی الدین سبکی و شیخ جمال الدین زملکانی و شیخ داوود ابو سلیمان مالکی و دیگران از علما، در مورد آن، کتاب نوشته و در آن کتب نظریات ابن-تیمیّه که معاصر آنها بوده را رد کرده-اند زیرا او در این مورد نظری زشتی داده است که آب دریاها آن را پاک نمی کند...» [5]

و این نشانی از قبح فتاوی ابن-تیمیّه در میان علمای مذهب شافعی است که فتوایی چون ممنوعیت سفر برای زیارت قبر پیامبر اینگونه موجب موضع-گیری ایشان حتی قرن-ها پس از وی می-شود.

مناظره ابن زملکانی شافعی با ابن تیمیه و تبعید وی به مصر

ابن زملکانی، محمد بن علی کمال الدین متوفای 727 ه.ق، از فقهای شافعی در عصر خویش بوده که ریاست مذهب شافعی به او محوّل گشت. [6]

ابن کثیر درباره وی می-نویسد: استاد مذهب شافعی در عصر خود بوده که ریاست تدریس، افتاء و مناظره به او واگذار گردید که به علمای معاصر خود در مذهب شافعی چیره گشت و برتری یافت. [7]

ابن تیمیه همواره با طرح نظرات انحرافی خود، موجب التهاب و تشنج در جامعه اسلامی می-شد، تا اینکه در سال 705 ه.ق قضات شهر، همراه با ابن تیمیه در قصر نایب السلطنة حاضر شدند و کتاب «الواسطیه» وی قرائت شد، و پس از دو جلسه مناظره با کمال الدین بن زملکانی و اثبات انحراف فکری و عقیدتی ابن تیمیه، او را به مصر تبعید کردند.

قاضی شافعی و محاکمه ابن-تیمیّه

بنابر نقل ابن-کثیر در ماه شوال سال 707 ه.ق، صوفیه به سبب جسارت-هایی که ابن-تیمیّه به «ابن-عربی» کرده بود به دولت مصر شکایت کردند و داوری بر عهده قاضی شافعی گذاشته شد و مجلس محاکمه-ای تشکیل شد، ولی مطلب خاصی علیه ابن-تیمیّه ثابت نشد و در همان مجلس گفت:

«لايستغاث الا بالله، لايستغاث بالنبي استغاثه بمعنى العبارة ولكن يتوسل به و يتشفع به».

«استغاثه منحصر به خداوند است و از پیامبر طلب یاری نمی-توان نمود، ولی می-توان از او توسل و طلب شفاعت نمود.»

ولی قاضی بدرالدین شافعی احساس کرد که وی در قضیه توسل، ادب را نسبت به پیامبر گرامی رعایت نمی-کند، نامه-ای به قاضی شافعی نوشت تا او را به مقتضای شریعت مجازات نماید.

قاضی شافعی نیز گفت: من نسبت به ابن تیمیه همان سخنی را گفتم که نسبت به دیگر منحرفان می-گویم.

آنگاه دولت مصر ابن تیمیه را بین رفتن به دمشق، اسکندریه و یا زندان، مخیر ساخت. ابن-تیمیّه زندان را برگزید و روانه-ی زندان شد. [8]

ابن حجر هیثمی و گمراه-دانستن ابن تیمیه

ابن حجر مکی متوفای 974 ه.ق، از علمای بزرگ مذهب شافعی، درباره ابن-تیمیّه می-نویسد: «ابن-تیمیّه عبدٌ خذلهُ الله تعالی وأضلهُ وأعماهُ وأصمّه وأدله وبذل، صرح الأئمة الذين بينوا فساد أحواله وكذب أقواله... وأهل عصرهم وغيرهم من الشافعية والمالكية والحنفية... والحاصل أن لا

یقام لکلامه وزنٌ بل یرمی فی کل وعز وحزن، یعتقد فیہ إنه مبتدعٌ ضالٌّ ومُضِلٌّ جاهلٌ غال، عامَلَهُ اللهُ تعالی یعدِّله وأجارنا من مثل طریقته وعقیدته.»

«خدا او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده است و پیشوایان اهل-سنت و معاصرین وی از شافعی-ها، مالکی-ها و حنفی-ها بر فساد افکار و اقوال او تصریح دارند... سخنان ابن تیمیه فاقد ارزش بوده و او فردی بدعت-گذار، گمراه و گمراه-کننده و نامتعادل است، خداوند با او به عدالت خود رفتار نماید و ما را از شر عقیده و راه و رسم وی حفظ نماید.» [9]

این عبارات به طور روشن، نظر علمای مذاهب مختلف اسلامی را نسبت به ابن-تیمیه و انحرافات وی روشن می-سازد.

وی همچنین می نویسد:

«کسی که می-خواهد از آن اطلاع پیدا کند، بر او لازم است که به کلام امام مجتهد، که بر جلالتش و رسیدن به مرتبه-ی اجتهادش اتفاق وجود دارد، یعنی تقی-الدین سبکی و فرزندش تاج و شیخ امام عز بن عبدالسلام و معاصرین او از علمای شافعی، مالکی و حنفی مراجعه کرده و نوشته های آنها را مطالعه کند.

او کسی بود که علاوه بر اعتراض بر بزرگان صوفیه بلکه بر امثال عمر بن الخطاب و علی بن ابیطالب رضی الله عنهما، اعتراض نمود. حاصل این که کلام او هیچ ارزشی ندارد بلکه با کمال تأسف به دور انداخته می-شود و اعتقاد ما درباره او این است که او بدعت-گذار و گمراه و گمراه کننده و جاهل و اهل غلو است.

خداوند به او به عدالتش رفتار کند و ما را از مثل روش و عقیده و کردارش، مصون دارد... از برخی سلف خبر داده شده که نزد او یادی از علی بن ابیطالب رضی الله عنه شد، او گفت: هفده مورد اشتباه کرده است. ای کاش می-دانستم اگر به گمان تو، علی اشتباه کرده است پس از کجا صواب به دست تو رسیده است؟!» [10]

جباوی سعدی شافعی(معاصر)

وی در مقدمه کتابی که در ردّ ابن-تیمیه نگاشته، می-نویسد:

«این کتاب را کشف المین نامیدم و در آن تهمت ابن تیمیه حرّانی و نسبت-های ناروایش را به عقل و نقل بیان کردم... و این بعد از اطلاع کامل من از کتاب-های او همچون (مجموع الفتاوی) و (درء التّعارض) و (منهاج السنّة) و (الصفیة)

و دیگر کتاب-های اوست که برخی از مطلب آن کتب را نقل نمودیم از آن جمله اعتقاد به قدیم بودن نوع عالم در کتاب (کشف الزّلل) است که به طور مفصّل مذهبش را تفصیل داده و آن را ردّ نموده-ایم...» [11]

وی همچنین می-نویسد:

«از خداوند متعال می-خواهم که چشم بصیرت به پیروان او بدهد و آنان را به حق هدایت کند، تا چه رسد به کسانی که مغبون شده و گول حرف های او را خوردند، تا جایگاه این بدعت-گذار را به خوبی بدانند و اینکه او جز فردی خارج شده-ی از دین و کافر نیست، و در اعتقادات منفرد و شادش تنها بدعت-گذار و گمراه بوده و از جماعت مفارقت کرده است.» [12]

نجم الدین محمد امین کردی شافعی

وی نظرات ابن-تیمیه را صورت دیگری از بدعت-های یهودیان دانسته و از مقابله علمای اهل-سنت با این انحرافات به عنوان قیام علمای اهل-سنت و جماعت یاد کرده و می-نویسد: «در قرن-های پیشین بین اهل اسلام بدعت-هایی از قبیل قول به تشبیه و تجسیم و اعتقاد به جهت و مکان در حق خدای متعال وجود داشته که از ساخته و پرداخته-های

دشمنان اسلام بوده است، تا کینه -ی خود را بر ضد اسلام محکم سازند، در حالی که برخی از اهل اسلام از آنان غافل بوده -اند... تا اینکه در اوایل قرن هشتم این بدعت-ها به شکل دیگری، صورتی شبیه به یهود به خود گرفت که خطر آن کمتر از اقدامات یهود نبوده است. این کارها به دست فردی به نام «ابن -تیمیّه حرّانی» انجام گرفت، که علمای اهل-سنت و جماعت در مقابل آنها قیام کردند، به طوری که در عصر او کسی باقی نماند تا او را یاری و نصرت کند مگر کسی که دارای غرض بوده و یا در قلبش مرض بوده است...» [13]

چگونه است که همه این علما در یک نقطه اشتراک دارند و آن دروغگو بودن و بدعت-گذار بودن ابن -تیمیّه است!

یک نگرانی در کلمات همه این علما وجود دارد و آن اینکه با ترویج افکار ابن -تیمیّه هیچ یک از مقدّسات اسلامی در امان نخواهد بود و هر روز باید شاهد خدشه و ضربه به یکی از مسائل اعتقادی باشیم.

جالب آن است که با وجود این همه اختلاف نظرهای جدی و نقاط افتراق در مبانی فکری و اعتقادی علمای شافعی با وهابیت، در حال حاضر برای رسیدن به اهدافشان اینگونه تبلیغات می-کنند-که ما جزئی از اهل-سنت و مدافع عقاید ایشان هستیم و همه اقدامات و نظرات ما مطابق با نظرات و آرای سلف و بزرگان از علماست.

این مطالب تنها گوشه -ای از انتقادات و اشکالاتی است که یکی از مذاهب اربعه اهل سنت یعنی مذهب شافعی بر ابن تیمیه وارد کرده-اند که به روشنی دوری او از اعتقادات اسلامی را به نمایش می-گذارد.

[1].5/ [2].101 1 [3].1406 [4].4681 [5].147 1 () 1414
[6].384 12 [7].2846 1980 () [8].153 14 1408 [9].(51 14 1876
[10].234 [11].144 [12]. [13]. 2